مدیریت امتثال و تأثیر آن در استظهار از ادله

38:49

شاگرد: این بیان شما در راستای همین بیان شما است که می‌فرمودید شارع ابتدا یک مطلقی را بیان می‌کند و بعداً قیدها را می‌زند. یعنی اگر از روز اول بخواهد همه قیدها را با مطلق بگوید اصلاً نظام ابلاغ شریعت دچار مشکل می‌شود. این هم در آن فضا است؟ مثلاً ابتدا می‌گوید نماز چهار رکعتش واجب است و بعد می‌گوید نماز مسافر به این صورت است. در اینجا است که شما می‌گویید شارع یک حرفی دارد که استصحاب، فراغ و ... را می‌گیرد، لذا به همین خاطر است که وقتی شیخ استصحاب را می‌گوید آن را با همه قیدهایش می‌گوید لذا ظهور آنها هم دچار اخلال می‌شود.

استاد: بله، مثلاً مرحوم شیخ گفتند بین قاعده یقین و استصحاب جامعی نیست. لذا ممکن نیست حتی یک دلیل را ناظر به آن بدانیم. چون جامع را تصور نکردند. یکی از جلسات خوبی که یادم می‌آید حاج آقا یک لحن خاصی داشتند، همینطور برای من ماندگار شده. فرمودند تعجب است که مرحوم شیخ فرمودند این دو جامع ندارند، خب واضح است که جامع دارند. یعنی یک جوری مقابل عدم جامع واکنش نشان دادند.

خب درست است شما می‌توانید به دو قاعده نگاه خاصی بکنید؛ نگاه منطقی و دقیق. می‌گویید اینکه به آن ربطی ندارد. یک قوامش به شک سابق است و دیگری قوامش به آن است. همه قوامها را درست می‌کنید. اما گاهی است که شما از دلیل، استظهار بیان یک قاعده با مقومات منطقی آن نمی‌کنید بلکه به یک قاعده نگاه می‌کنید به‌عنوان کاربرد. یعنی کسی که این قاعده را فرموده، غرضی کاربردی داشته. نه غرض منطقی و ریاضی. چقدر تفاوت می‌کند!

شما می‌گویید اصول عملیه برای این است که در مقام عمل رفع تحیر کند. ای آن چه که صاحب کفایه در موضوع علم فرمودند. مطلب قشنگی است. فرمودند گاهی می‌گویید که علم، موضوع می‌خواهد یا نمی‌خواهد؟ موحِّد علم چیست؟ فرمودند وحدت علم به وحدت موضوعش است. موضوع کل عمل ما یبحث فیه عن عوارضه الذاتیه. بعد از چقدر بحث‌ها گفتند چه کسی گفته که وحدت علم به وحدت موضوعش است؟ وحدت علم به وحدت غرض و غایت است. این یعنی نگاه به موضوع دارد عوض می‌شود. یعنی اگر شما به علم نگاه می‌کنید و می‌گویید که موحد آن موضوع است اما یک وقتی می‌گویید غرض ما دخیل در این است که جمع کنیم. چرا مدام دنبال یک موضوعی می‌گردید که لزوم ما لایلزم است.

گاهی در اصول عملیه هم اینچنین است. یعنی وقتی شما از طیفی از ادله شرعیه استظهار می‌کنید، استظهار می‌کنید که شارع یک غرضی دارد، آن غرض را در مجموع اینها به دست می‌آوردی. الآن می‌خواهم یک نکته را بگویم. مکرر هم گفته‌ام. مقدمه شود برای فردا اگر نزده بودیم. این چهار باب را هم مرور کنید. چهل-پنجاه روایت است.

وقتی شما اینها را مرور می‌کنید به این چیزی که الآن عرض می‌کنم توجه داشته باشید. مکرر هم گفته‌ام. فایده برخی از آنها هم در مباحثه پیش آمده است. وقتی شارع مقدس یک حکمی را انشاء

می‌کند، گاهی انشائی است اولی. حکم روی موضوع آن می‌آید و می‌گوید این را برای مکلف قرار دادهام. باید این کار را بکنید. اما یک وقتی همین که به لسان حکم و دلیل نگاه می‌کنید می‌بینید شارع الآن نمی‌خواهد به‌عنوان اولی یک حکمی را انشاء کند. می‌گوید ایها المکلف من قبلاً به تو یک تکلیفی کردهام بیا یادت بدهم که تکلیف قبلی من را چطور امتثال کنی؛ مدیریت امتثال. وقتی شما به لسان یک دلیل نگاه می‌کنید می‌فهمید الآن در مقام کدام یک از آن‌ها است.

نکته ی مهمی که پارسال صحبت شد این بود: گاهی وقتی به لسان دلیل نگاه می‌کنید می‌بینید هر دو غرض را دارد. یعنی یک دلیل هم می‌خواهد حکم انشاء ثبوتی را بگوید و هم همراه آن غرض تعلیمی امتثال هم می‌کند. دکتر یک نسخه‌ای می‌دهد. شما وقتی نسخه را نگاه می‌کنید می‌بینید یکی از آن‌ها نان‌شی از علوم طبی و مطالبی که از طب می‌دانند است. بخشی از آن هم دارد به او یاد می‌دهد که دوا را چطور بخور؛ به این نسخه‌ای که من به تو دادهام چطور عمل کن. امتثال یک امر را یاد دادن در مقام بعد از مرحله انشاء و تکلیف اولی است. یکی از علائم مقام امتثال این است: تا می‌بینید حال مکلف مطرح شد؛ ایها المکلف ظان هستی؟ علم داری؟ شک داری؟ ببینید شک در چه دارد؟ علم به چه دارد؟ یعنی می‌خواهد بگوید من قبلاً یک حکمی را انشاء کردهام، تو به آن علم داری، در آن شک داری. برای حکم هم موضوعی قرار دادهام تو به آن موضوع علم داری، به آن موضوع شک داری. شمای مکلف شک دارید. این شک تو که به آن عالم انشاء بر نمی‌گردد. الآن که می‌گویم ایها الشاک این کار را بکن؛ ایها الظان این کار را بکن، یعنی در مقام امتثال دارم به تو یاد می‌دهم که آن امر من مولی را چطور امتثال کنی.

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 14:44:12 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 14:46:39 توسط ... .